

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: کلیات
۷	مبحث اول: تعریف حقوق
۸	مبحث دوم: اقسام حق
۱۰	مبحث سوم: حقوق جزای عمومی در اسلام
۱۳	مبحث چهارم: موضوع حقوق جزا در اسلام
۱۴	مبحث پنجم: فایده حقوق جزا در اسلام
۱۷	مبحث ششم: تاریخچه حقوق جزا در اسلام
۱۹	مبحث هفتم: منابع حقوق جزا در اسلام
۲۳	پرسش‌های پایانی فصل اول
۲۴	فصل دوم: جرم و ارکان آن
۲۴	مبحث اول: مقدمات
۲۵	گفتار اول: مفهوم جرم
۲۹	گفتار دوم: ارکان تشکیل دهنده جرم
۳۰	مبحث دوم: رکن قانونی جرم یا اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۰	گفتار اول: تاریخچه اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۲	گفتار دوم: فواید اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۵	گفتار سوم: مضار اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۳۹	گفتار چهارم: ادله شرعی رکن قانونی جرم
۴۶	گفتار پنجم: قواعد الحاقی
۶۱	مبحث سوم: رکن مادی جرم
۶۲	گفتار اول: مراحل سه گانه ارتکاب جرم
۸۰	گفتار دوم: طبقه‌بندی جرایم از لحاظ رکن مادی جرم

صفحه	عنوان
۸۵	مبحث چهارم: رکن ادبی یا عنصر روانی (معنوی)
۸۷	گفتار اول: مسئولیت جنایی و ارتفاع آن
۱۱۳	گفتار دوم: اقسام جرایم
۱۱۸	گفتار سوم: خطای جزایی
۱۲۱	پرسش‌های پایانی فصل دوم
۱۲۳	فصل سوم: عوامل موجهه جرم
۱۲۵	مبحث اول: دفاع مشروع
۱۲۷	گفتار اول: دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود مدافع
۱۴۳	گفتار دوم: دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال دیگران
۱۴۵	مبحث دوم: قتل تحت تأثیر هیجانات آنی
۱۴۵	مبحث سوم: حکم قانون و امر آمر قانونی
۱۴۵	گفتار اول: حکم قانون
۱۴۶	گفتار دوم: امر آمر قانونی
۱۴۸	گفتار سوم: حکم قانون بدون امر آمر قانونی
۱۴۹	گفتار چهارم: امر آمر قانونی بدون حکم قانون
۱۵۱	مبحث چهارم: تراحم قانون مهم با اهم
۱۵۱	گفتار اول: مرجحات باب تراحم
۱۵۲	گفتار دوم: لزوم ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم
۱۵۵	مبحث پنجم: ضرورت
۱۵۵	گفتار اول: تفاوت اضطرار و ضرورت
۱۵۸	مبحث ششم: تأدیب و تنبیه صغار و مجبورین
۱۶۰	مبحث هفتم: رضایت مجنی‌علیه
۱۶۰	گفتار اول: تأثیر رضایت مجنی‌علیه در سقوط مجازات
۱۶۶	مبحث هشتم: توبه قبل از ثبوت جرم
۱۶۶	گفتار اول: ماهیت توبه
۱۶۷	گفتار دوم: ارکان تشکیل دهنده توبه
۱۶۷	گفتار سوم: اقسام معاصی و اثر توبه در آنها
۱۷۵	مبحث نهم: تعویق اجرای مجازات‌ها
۱۷۶	پرسش‌های پایانی فصل سوم
۱۷۷	فصل چهارم: عوامل رافع مسئولیت جنایی
۱۷۷	مبحث اول: شناسایی مجرم

۱۷۸	گفتار اول: مباشرت و تسبیب
۱۸۱	گفتار دوم: حکم شرکا و معاونین جرم
۱۸۳	مبحث دوم: عوامل رافع مسئولیت
۱۸۳	گفتار اول: اکراه
۱۹۲	گفتار دوم: اضطرار
۲۰۷	گفتار سوم: مستی
۲۱۲	گفتار چهارم: جنون
۲۱۷	گفتار پنجم: صغر
۲۲۴	گفتار ششم: خواب
۲۳۰	پرسش‌های پایانی فصل چهارم
۲۳۱	فصل پنجم: موارد سقوط مجازات‌ها
۲۳۱	مبحث اول: اسباب سقوط مجازات‌ها
۲۳۱	گفتار اول: موت جانی
۲۳۲	گفتار دوم: از بین رفتن محل قصاص
۲۳۲	گفتار سوم: توبه جانی
۲۳۴	گفتار چهارم: صلح و عفو
۲۴۸	گفتار پنجم: ارث قصاص
۲۵۰	گفتار ششم: مرور زمان
۲۵۲	گفتار هفتم: تبدیل قصاص به دیه
۲۵۶	گفتار هشتم: تبدیل قصاص به دیه در قصاص اطراف
۲۵۷	گفتار نهم: تبدیل قصاص به دیه در شجاج و جراحات
۲۵۹	گفتار دهم: تأخیر در قصاص
۲۶۳	پرسش‌های پایانی فصل پنجم
۲۶۴	فصل ششم: مجازات، اقسام و اهداف آن
۲۶۵	مبحث اول: تقسیم مجازات
۲۶۶	گفتار اول: تقسیم مجازات از حیث ارتباط با یکدیگر
۲۶۸	گفتار دوم: تقسیم مجازات‌ها از حیث تعیین مقدار
۲۶۹	گفتار سوم: مجازات‌ها بر حسب ماهیت آن‌ها
۲۸۳	مبحث دوم: اهداف مجازات‌ها
۲۸۵	گفتار اول: اهداف مجازات‌ها از دیدگاه حقوق دانان

صفحه	عنوان
۲۸۶	گفتار دوم: اهداف مجازات‌ها از دیدگاه فقها
۲۹۲	پرسش‌های پایانی فصل ششم
۲۹۴	منابع و مآخذ
۲۹۸	قوانین
۳۰۰	نماینه موضوعی

مقدمه

حقوق کیفری گرچه امروزه در تقسیم‌بندی علم حقوق قسیم حقوق خصوصی و حقوق عمومی است، ولی چون مجموعه قواعدی است که بر چگونگی مجازات اشخاص از طرف دولت، حکومت می‌کند و در آن، از اعمالی بحث می‌شود که به دلیل اختلال در نظم عمومی جرم تلقی می‌شود، می‌توان آن را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانست، «ازاین‌رو در حقوق کیفری به تأثیرات اجتماعی جرایم و مجازات‌ها تأکید شده و موضوع آن، مطالعه جرایم و اعمال ضد اجتماعی و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای برقراری امنیت و نظم در جامعه معرفی شده است».^۱ مهم‌ترین مباحث مطرح در حقوق عمومی کیفری، مطالعه قواعد کلی و مشترک جرم‌ها و مجازات‌ها بدون پرداختن به ویژگی‌های اختصاصی جرایم خاص است، مثلاً در این شاخه از حقوق جزایی، درباره ارکان تشکیل‌دهنده جرم، اقسام جرم، عوامل موجهه جرم و رفع‌کننده و یا تخفیف‌دهنده مجازات بحث می‌شود.

به‌طوری‌که اشاره شد، هدف اصلی از حقوق کیفری، ایجاد امنیت در جامعه از طریق جلوگیری از وقوع و یا تکرار جرم است و در قرآن کریم به تأثیر اجتماعی جرم و مجازات چنین اشاره می‌شود: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...^۲ هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است.

امام محمد غزالی با الهام از معارف اسلامی ابتدا مصالح جوامع انسانی را مبتنی بر حفظ پنج اصل دین، نفس، عقل، نسل و مال می‌داند و سپس قوانین اسلام را برای محافظت از این پنج مصلحت معرفی می‌کند و می‌گوید: نادیده گرفته شدن این مصلحت‌ها ایجاد مفسده می‌کند و دفع آن مفسد به مصلحت جامعه و امری ضروری است؛ به‌طوری‌که اگر کسی برای از بین بردن یکی از این مصلحت‌ها اقدام کند، مثلاً با روی آوردن به کفر و ارتداد، قتل، شرب خمر، زنا و تجاوز به اموال دیگران، اقدام کند، به جرم، مرتکب می‌شود و باید حاکمیت با

۱. حقوق جزای عمومی، شامبیاتی، ج ۱، ص ۲۹-۳۱.

۲. مائده: ۳۲.

مجازات مرتکب این جرایم، مصالح فوت شده مذکور را به جامعه برگرداند.^۱ در گذشته دور مجازات مجرمان یک نوع انتقام جویی تلقی می شد و حتی مجازات در صورتِ قدرتمند بودن خویشانِ مجنی علیه به مجازات خانواده جانی نیز تسری پیدا می کرد، ولی «امروزه جرم، رفتاری ضد اجتماعی شمرده می شود که حاکمیت عمومی، وظیفه دارد با شیوه های مناسب و مؤثر، ضمن پیشگیری از وقوع و تکرار آن، به حفظ نظم عمومی و مراعات حقوق جامعه مبادرت کند. پرسابقه ترین و بارزترین مصداق این شیوه ها، مجازات بزه کاران است؛ ولی پس از ظهور اندیشه های نوین کیفری، هدف از مجازات مجرمان، علاوه بر ارباب و بازدارندگی از وقوع جرم و اجرای عدالت کیفری، تربیت و اصلاح و بازپروری آنان به شمار رفته است».^۲

ابن اثیر در کتاب خود به شیوه انتقام جویی اولیای دم از قبیله جانی در دوران جاهلیت اشاره می کند که خود عامل فساد و استمرار ناامنی بیشتر در جوامع بود، مثلاً در روابط قبیله ای اگر کسی از یک قبیله نسبت به شخصی از قبیله دیگر مرتکب جرمی می شد، این عمل به منزله ارتکاب جرم علیه کل قبیله به شمار می آمد و در واقع، مسئولیت کیفری عمدتاً جنبه جمعی داشت. در این قبیل عرف های قبیله ای مسئولیت از مجرم به سایر خویشان او انتقال می یافت. در تاریخ، به بروز جنگ های طولانی، مانند جنگ بین «داحس» و «غبراء» که منشأ آن قوانین خاص قبایل بود، اشاره شده است.^۳

یکی از ادواری که بعد از رحلت پیامبر گرامی (ص) با اجرای صحیح احکام اسلامی، مردم توانستند لذت زندگی در سایه عدالت را به معنای واقعی کلمه احساس کنند، دوران زمامداری کوتاه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) بود که با اجرای دقیق حدود شرعی، مردم در آسایش کامل زندگی می کردند و اموال و نوامیس شان در امنیت بود و کار به جایی رسیده بود که خود مجرمان داوطلبانه خدمت امام می رسیدند و تقاضای اجرای حد می نمودند تا پاک از این دنیا بروند. امام در مدت زمامداری خود با اجرای صحیح حدود، مردم را به این باور رسانیده بود که مجازات مقرر در شریعت اسلام در واقع رحمت عامی برای جامعه است، زیرا رهایی از شر مجرمان با اعمال مجازات های شدید، موجب خوف آنان از تکرار جرم و انصراف کسانی

۱. فکل ما يتضمن حفظ هذه الأصول الخمسة فهو مصلحة وكل ما يفوت هذه الأصول فهو مفسدة ودفعها

مصلحة (المستصفی، غزالی، محمد، ج ۱، ص ۲۸۷).

۲. حقوق جزای عمومی، اردبیلی، محمدعلی، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۳۰ و حقوق جزای عمومی، صانعی، پرویز، ج ۲، ص ۱۵۹ تا ۱۶۸.

۳. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۷۱.

می‌شود که احتمال ورود به جرگه خلاف کاران را دارند. روایت سماعه از معصوم به همین تأثیر اجتماعی مجازات اشاره دارد که از امام درباره شاهدان دروغین سؤال می‌کند که آیه وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۱ بدان می‌پردازد. او می‌پرسد: «كَيْفَ تُعْرِفُ تَوْبَتَهُمْ؟»: چگونه توبه او آشکار می‌شود؟ امام می‌فرماید: «يُكَذِّبُ نَفْسَهُ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ حَتَّى يُضْرَبَ وَيَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ ظَهَرَتْ تَوْبَتُهُ»: در ملا عام و در مقابل دیدگان مردم درحالی که تازیانه می‌خورد و از خدایش مغفرت می‌طلبد، به شهادت دروغ خود اعتراف می‌کند و آنگاه که چنین کند، توبه‌اش آشکار می‌گردد.^۲ ملاحظه می‌شود که مجازات در برابر دیدگان مردم، هم برای مجرم عبرت آموز است و هم برای بینندگان صحنه اجرای مجازات.

در موقعیتی که ناامنی و تجاوز به حقوق یکدیگر، جوامع بشری را فرا گرفته بود، آیین اسلام به عنوان کامل ترین دین آسمانی ظهور یافت که علاوه بر دعوت به خداشناسی و رعایت مسائل اخلاقی مشتمل بر احکام و مقررات خاص، امور زندگی مردم را نیز اداره می‌کرد. قرآن در آیات متعدد بدان اشاره می‌کند: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.^۳ همانا ما پیامبران خود را با دلایل قاطع فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و دین [را که معیار عقاید و اعمال انسان‌هاست] فرود آوردیم تا مردم همواره به عدل و داد برپا باشند. از این آیه و سایر آیات و روایات چنین مستفاد می‌شود که کلیه احکام اسلامی اعم از حقوق مدنی و جزایی ریشه در وحی الهی دارند و به فرمایش خداوند متعال: إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ.^۴

نکته قابل توجهی که لازم می‌دانم در این مقدمه، متذکر شوم: اشاره به یکی از امتیازات قانون مجازات اسلامی است که احیاناً از طرف کسانی که با فلسفه تشریع احکام جزایی در اسلام آشنا نیستند، مورد اشکال و حتی طعن قرار می‌گیرد و آن، شدت عملی است که در برخی از جرایم، مانند راهزنی (مহারبه) در آیات قرآن وجود دارد که با نگاه سطحی این اشکال را به ذهن متبادر می‌کند که چه تناسبی بین راهزنی و بردن اموال یک کاروان کوچک تجاری با به صلیب کشیدن و قطع دست و پای مجرم وجود دارد؟ ابو زهره از فقهای اهل سنت معاصر در این باره تحلیل دقیقی ارائه می‌دهد: شاید دردناک‌ترین مجازاتی که در نص قطعی،

۱. نور: ۴.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۸، ص ۳۷۶، باب ۱۱ از ابواب بقیه حدود و تعزیرات، ح ۱؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۶۳.

۳. حدید: ۲۵.

۴. انعام: ۵۷.

یعنی قرآن آمده است، مجازات شدید در برابر قطع طریق (راهزنی) است که در اصطلاح «محاربه» نامیده می‌شود. در آیه ۳۳ سوره مائده می‌فرماید: *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ*: کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند، یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، به عکس یکدیگر، بریده شود، و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

بدون شک در نگاه سطحی این شدت عمل در مجازات، با میزان مادی جرم همسان به نظر نمی‌رسد، اما با در نظر گرفتن فساد و ناامنی و ترسی که این مجرمان در جامعه ایجاد می‌کنند و با تشکیل گروه‌های خلاف کار در مسیر کاروان‌ها قرار می‌گیرند و تا مالی از آن‌ها نگیرند اجازه عبور نمی‌دهند و هرکس مقاومت کند او را به قتل می‌رسانند، ماهیت جرم فرق می‌کند. جرم محاربه، قدرت حکومت را تضعیف و مردم را سرگردان می‌کند. این گروه تبه‌کار، تمام قوانین و مقررات را زیر پا می‌گذارند و اضطراب و فساد را گسترش می‌دهند. عدالت جای خود را با ظلم و بیدادگری و شیوع شرارت عوض می‌کند. پس باید مجازاتی تشریع شود که متناسب با این جرم بزرگ باشد.^۱

از دیگر ویژگی‌های قانون مجازات اسلامی که هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان دگرگونی عجیبی را ایجاد کرد، اجرای یکسان مجازات‌ها در برابر جرم‌ها بود. یعنی برخلاف سنت جاری در بین قبایل، اگر فردی به جرمی مرتکب و جرم او با بینه یا اقرار ثابت می‌شد، هرگز وابستگی به قومی یا شخصی موجب تخفیف در مجازات یا عدم اجرای مجازات نمی‌شد. در اقامه حدود الهی، حاکم و رعیت یکسان بودند. امام فخر رازی در تفسیر خود وضعیت شبه جزیره عربستان را هنگام نزول قرآن چنین توصیف می‌کند: آن زمان در جنایاتی که رخ می‌داد، یهود فقط مجازات مرگ و نصاری فقط عفو را واجب می‌دانستند و عرب، گاهی مجازات مرگ و گاهی اخذ دیه را انتخاب می‌کرد، ولی در اعمال هر دو مجازات، به حقوق جانی تعدی می‌نمودند؛ اما در قتل، هنگامی که قاتل از یک قبیله و مقتول از قبیله دیگر بود، اعضای قبیله اشراف می‌گفتند: ما باید در برابر عبد، فرد آزاد و در برابر زن، مرد و در برابر یک مرد دو مرد از قبیله شما را قصاص کنیم و اما در مورد اخذ دیه گاهی دیه مقتول از قبیله شریف چندین برابر یک فرد از قبیله فروودستان بود. اما

۱. *الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي*، ابو زهره، ص ۹ و ۱۰.

آنگاه که محمد (ص) مبعوث شد، بر اجرای عدل و انصاف دستور داد و در حکم قصاص بین مردم تساوی را برقرار کرد.^۱ به یک نمونه از رفتار پیامبر (ص) که در منابع اهل سنت آمده است، اشاره می‌شود. در حدیثی از پیامبر منقول است که هنگام مداخله اشراف قریش در اجرای حد سرقت بر مجرمی از آن قبیله، فرمود: «تَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ؟» سپس به پا خاست و این خطبه را خواند: ای مردم! اقوام پیش از شما از بین رفتند؛ زیرا آنان آنگاه که شریفی (فرد توانمند از قومی) دزدی می‌کرد، او را بدون مجازات رها می‌کردند و زمانی که فرد ضعیفی مرتکب سرقت می‌شد، بر او حد جاری می‌نمودند.^۲ در مجامع حدیثی شیعه هم احادیثی از پیامبر (ص) وارد شده است که شفاعت مجرم، بعد از طرح دعوا نزد حاکم را امر مذمومی می‌شمارد. در کتاب دعائم الاسلام این حدیث نقل شده است: «وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ يُبْطِلْهُ وَسَعَى فِي إِطْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذْبُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۳ از رسول خدا نقل است که ایشان از شفاعت در حدود نهی می‌کردند و می‌فرمودند: هرگاه کسی در حدی از حدود الهی شفاعت کند برای اینکه نادیده گرفته شود و تلاش کند تا حدود الهی معطل بماند، در روز قیامت با عذاب خداوند روبه‌رو خواهد شد.

در کتاب‌های فقهی مباحث مربوط به جرم و مجازات به شیوه امروزی تدوین نشده است و کلیه مباحث، تحت سه عنوان حدود، قصاص و دیات آورده شده و مبحث تعزیرات نیز در ذیل بحث حدود آمده است. محقق حلی در کتاب شرائع الاسلام ابواب فقه را بر چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرده و حدود، تعزیرات، قصاص و دیات را در بخش احکام بیان می‌کند^۴ و امام خمینی نیز بحث‌های حقوق جزایی اسلام را تحت عنوان «کتاب الحدود»، «کتاب القصاص» و «کتاب الدیات» می‌آورد.^۵

بنابراین در حقوق کیفری اسلام اگرچه عنوان خاصی برای حقوق جزای عمومی وجود ندارد ولیکن با بررسی ادله و آراء فقهی، مباحث مطرح شده در حقوق جزای عمومی عمدتاً از منابع اصیل قابل استنباط است که مؤلفین در این کتاب بدان پرداخته‌اند. لازم می‌دانم در پایان این مقدمه متذکر شوم که در تدوین این اثر در مواردی به موادی از

۱. التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۵، ص ۲۲۱.

۲. السنن الکبری، بیهقی، ج ۸، ص ۴۶۴.

۳. دعائم الاسلام، مغربی، ج ۲، ص ۴۴۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۹۶.

۴. شرائع الاسلام، محقق حلی، ج ۴، ص ۱۳۶ به بعد.

۵. تحریر الوسیله، موسوی خمینی (امام)، ج ۲، ص ۴۵۵ به بعد.

قانون جزای اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ استناد شده است و چون این ارجاعات عمدتاً جنبه استدلالی و شاهد مثالی دارد و در صورت تطبیق با قانون مصوب سال ۱۳۹۲ به استدلال انجام شده خدشه‌ای وارد می‌شد، از این رو مواد مذکور در کتاب به همان شکل باقی مانده است. با این حال برای سهولت در دسترسی، ویراستار در پاورقی مواد قانونی جدید را حتی الامکان آورده است.

دریغاً! این اثر علمی که عمدتاً مبتنی بر آراء فقهی استاد فقیدم، آیت الله قبله‌ای خویی (رحمة الله علیه) است و این بنده افتخار دارد که آن بزرگوار در حال حیاتشان اجازه فرمودند، حاصل این تحقیق به اشتراک استاد و شاگرد منتشر شود، زمانی به چاپ می‌رسد که آن فقیه عالی قدر در قید حیات نیستند، اگرچه همه آثار علمی ایشان همچنان در مجامع علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بی‌تردید روح ایشان در عالم برزخ از آثار معنوی آن‌ها بهره‌مند می‌شود.

وظیفه خود می‌دانم از مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی دانشگاه‌ها (سمت) بابت نشر این کتاب تشکر کنم و به روح پرفروش مؤسس آن، فیلسوف متأله، آیت الله دکتر احمد احمدی (قده) درود بفرستم که تأسیس چنین مرکز پرثمری مصداق کریمه کَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ^۱ است. همچنین باید از همکاری علمی سرکار خانم عذراء قبله‌ای، دانش آموخته فقه و حقوق اسلامی سپاسگزاری کنم که توانستند با تسلط کامل به موضوع کتاب و اشراف بر مبانی فقهی پدر بزرگوارشان اثری ویراسته از خود به یادگار بگذارند.

امید است این کتاب که با روش اجتهادی و مبتنی بر منابع اصلی از کتاب و سنت تحقیق و تألیف شده است، در مجامع علمی مورد استفاده قرار گیرد و از آنجایی که اولاً، هر اثری که دست بشر در آن دخالت داشته باشد، مصون از خطا نیست و ثانیاً، تدوین نهایی این کتاب بعد از ارتحال آیت الله قبله‌ای (رضوان الله علیه) صورت گرفته و امکان سهو از جانب بنده وجود دارد، مستدعی است خوانندگان خطاهای احتمالی در کتاب را سخاوتمندانه از طریق ناشر یا ایمیل (merghati@ut.ac.ir) به اینجانب متذکر شوند تا در چاپ‌های بعدی تصحیح شود.

و آخر دعوانا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سید طه مرقاتی خویی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران